این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

توصیه‌های استاد مطهری برای چگونگی استفاده بهینه از وقت

استاد شهید مرتضی مطهری(ره):
آدمی یا در حال جلو رفتن است یا در حال عقبگرد، یعنی حالت توقف وجود ندارد، زیرا اگر وقت و عمر، بجا مصرف شود پیشروی است، اگر بیجا مصرف گردد سرمایه باختن و عقبگرد است. تنها قدر وقت دانستن کافی نیست، مهارت و استادی از نظر بهره‌برداری لازم است. استفاده بیشتر در مدت کمتر موقوف به این است که: اولاً انسان همیشه برای کارهای خود برنامه و نقشه داشته باشد؛ ثانیاً برای هر کار وقت مناسب همان کار را در نظر بگیرد؛ ثالثاً ترتیب کارها را طوری بدهد که وقت خالی نماند.
منبع: کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام به استناد کتاب «حکمت‌ها و اندرزها»، ج۲، ص۱۹۸-۱۹۷

حقیقتی انکارناپذیر

یکی از فعالان توئیتر با نام «سرآهنگ» نوشت: جوزف رنو در کتاب «یورش مسلمانان به فرانسه»: باید اعتراف کنم تقدم مسلمانان منحصر به صناعت و فن نیست، بلکه آنان در علوم عقلی قدمی راسخ داشتند. اسرار تازه‌ای از دانش را گشودند و بر آنچه از دیگران آموختند، نکاتی ناب افزودند. برتری مسلمانان در آن عصر بر اروپائیان حقیقتی است انکارناپذیر.

نتانیاهو به روایت یدیعوت آحرونوت

کانال تلگرامی «طنز دکتر سلام» با انتشار تصویر فوق نوشت: نتانیاهو به روایت روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحرونوت:
- پس از جنگ ۲۰۱۲: ضربات دردناکی به حماس وارد کردیم.
- پس از جنگ ۲۰۱۴: سال‌ها آنها را به عقب بازگرداندیم.
- سال ۲۰۱۸: آرامش در مقابل آرامش
- سال ۲۰۲۱: خواهشاً سؤالی نپرسید.

مقاومت را دست‌کم نگیریم!

عبدالرحیم انصاری در کانال تلگرامی خود نوشت: این تصویر از یک راکت فلسطینی نشان می‌دهد مقاومت غزه از نوعی کامپوزیت یا فایبر گلاس که یک تکنولوژی پیشرفته است در ساخت راکت هایش استفاده می‌کند. موادی که احتمالاً قابل رهگیری از جانب سیستم‌های پدافندی رژیم صهیونیستی نیستند. حال با این همه محدودیت و تحریم چگونه به این تکنولوژی‌ها دست پیدا می‌کنند امری است که بر بسیاری کارشناسان و تحلیلگران پوشیده است!

تصویر منتخب

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به تازه‌ترین اظهارات رئیس‌جمهور درخصوص بیل‌های دولت

تبدیل کلید به بیل بهترین نشانه است!

حسن روحانی، رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه «به دو بیل برای کرونا و تحریم» احتیاج داریم، گفته است: «من از چهار ماه پیش ذهنم مشغول بود که چگونه می‌توانیم مشکل کرونا و تحریم را حل کنیم. ما به دو بیل احتیاج داشتیم؛ یکی که به کمر کرونا بزنیم و بیل دیگر هم برای شکستن تحریم‌ها... ما این دو بیل را پیدا کردیم.» این در حالی است که او پیش‌تر نیز گفته بود: «می‌خواهیم با بولدوزر دیوار تحریم را جمع کنیم، برخی‌ها می‌گویند نه با فرغون و بیل این کار را انجام دهید» صحبت‌های روحانی با واکنش‌های مختلفی در شبکه‌های اجتماعی همراه شد. کاربران به زبان طنز نیز پاسخ‌هایی به روحانی دادند. در ادامه بخش‌هایی از این واکنش‌ها را می‌خوانید.

■ **امید نریمانی:**
روحانی: «ما دو تا بیل می‌خواستیم، یکی برای اینکه به کمر کرونا بزنیم و یک بیل هم برای آنکه به کمر تحریم بزنیم که هر دو بیل را پیدا کردیم.» آره حاجی پیدا کردی ولی داری با یکیش به کمر مردم میزنی و با یکی دیگه برامون گور میکنی! پیدا کردی فقط کارایییش رو بلد نیستی!

■ **سید یاسر جبرائیلی:**
تحریم، دیوار نیست که با بیل و بولدوزر تخریب شود. اینها بیل و بولدوزر را برای تخریب سازه‌ها و ساخته‌های خودمان می‌خواهند تا دل تحریم‌کننده را به‌دست آورند. در ماجرای برجام با بیل و فرغون بتون در قلب صنعت هسته‌ای ریختند، امروز با بولدوزر می‌خواهند به جان همه داشته‌های ملت بیفتند.

■ **فرزانه وکیلی:**
رئیس‌جمهور: «ما دو بیل نیاز داشتیم برای شکستن کمر کرونا و تحریم... که الحمدلله هردو را شکستیم!» کاری به فحوا و ادبیات کلام ندارم؛ حاجی کمر ما رو یادت رفت بگی! هشتگ بیل سوم، بیل اصلی.

■ **علی نیکی:**
خب از مرحله کلید عبور کردیم رسیدیم به مرحله بیل. #دولت_کلید_و_بیل

■ **ابوالفضل شفاعی:**
آقایان، شما دو بیل داشتید: یکی از بیل‌هایتان را بعد از کندن چاله برای اقتصاد، در میدان اقتصاد مقاومتی رها کردید و دیگری را بعد از شکستن کمر مردم، در کنار سازمان بورس! یادتان نرود تمامی تحریم‌ها یکجا بایستی برداشته و بعد از آن‌هم راستی آزمایی شود.

■ **حسن باوی:**
کلید به کارش نیومد رفت سراغ بیل تا تحریم‌ها رو برداره. جدی جدی اینجوری صحبت کرد. #روحانی

■ **اسماعیل زال بیگی:**
آقای رئیس‌جمهور جدیدا زدن تو کار ساخت و ساز؟ آخه اخیرا خیلی از بیل و کلنگ و فرغون و بولدوزر صحبت می‌کنند؟

■ **کیان مهزاد:**
بازی دائمی روحانی با بیل و کلید و بولدزر و... نشان از بازی روانی با ذهن و روح مردم به جای خدمت رسانی دارد. نمی‌دانم چه اصراری دارد این ماه‌های آخر را هم بازیچه دست مردم باشد.

کمپین‌های انتخاباتی «بی‌رغبت»، «واقعیت‌گریز» و «مسئولیت‌گریز»

یادداشت

علی نصری در کانال تلگرامی خود نوشت: کمپین‌های انتخاباتی در ایران به طور مشخصی ضعیف‌اند و با آنچه یک جامعه آگاه و بالغ امروزی انتظار دارد، فاصله چشمگیری دارند. عمده این کمپین‌ها، به جای اینکه بنای تبلیغات خود را بر پایه «صلابت»، «واقع‌بینی» و «شفافیت» بگذارند، به طور ناخواسته «بی‌رغبتی»، «واقعیت‌گریزی» و عدم «مسئولیت‌پذیری» نامزدهای خود را تبلیغ می‌کنند.

■ **بی‌رغبتی**
در فرهنگ انتخاباتی سیاستمداران ما، به هر دلیلی این باور جاافتاده که یک نامزد انتخاباتی باید نسبت به مسندی که برای کسب آن وارد رقابت شده «بی‌رغبت» و بلکه «منزجر» باشد. از این رو، بسیاری از نامزدها از روز اول ثبت‌نام خود در وزارت کشور، مراتب انزجار و اکراه خود نسبت به شغل ریاست‌جمهوری را اظهار می‌کنند و حضور خود در عرصه رقابت‌ها را تصمیمی در «لحظه آخر» و صرفاً بر اساس احساس «وظیفه» و به دلیل فشارهای مستمر هواداران خود بیان می‌کنند.
مشخص نیست که چرا «بی‌رغبتی» یا «انزجار» نسبت به یک شغل، باید نکته مثبتی برای نامزدی که می‌خواهد چهار یا هشت سال بر آن مسند بنشیند، محسوب شود. آیا هیچ کارفرمایی فردی را استخدام می‌کند که در همان مصاحبه اول، نسبت به شغلی که برایش اقدام کرده، ابراز بی‌رغبتی و انزجار کند؟
البته معمولاً بعد از این اظهار «بی‌رغبتی» همان نامزدها بلافاصله از برنامه‌های چند هزار صفحه‌ای خودشان می‌گویند و بعضاً با یکدیگر بر سر تعداد صفحات برنامه‌هایشان وارد رقابت می‌شوند. برنامه‌هایی که مراحل تحقیقات، نگارش و تدوین‌شان قاعدتاً باید ماه‌ها - و بلکه سال‌ها - طول می‌کشید و ادعای تصمیم ورود به رقابت‌ها در «لحظه آخر» و «بی‌رغبتی» آنها نسبت به آن مسند را بی‌اعتبار می‌سازد.
سپس همان نامزدها، در مرحله بعدی اعلام می‌کنند پولی برای ایجاد یک ستاد انتخاباتی و فعالیت تبلیغاتی ندارند و از مردم می‌خواهند خود وارد عمل شوند. باز در اینجا سؤال پیش می‌آید که چرا نامزدی که چندین هزار صفحه برنامه برای اداره کشور تهیه نموده، در این برنامه‌ریزی دقیق، هیچ بودجه و امکاناتی برای فعالیت انتخاباتی خود در نظر نگرفته است؟ این چگونه برنامه‌ریزی است که شخصی هزاران صفحه برای فردای پیروزی خود در انتخابات طرح دارد، اما برای خود «پیروزی» هیچ تدبیر و تدارکی ندیده؟

■ **«اغراق» و «واقعیت‌گریزی»**
یکی دیگر از ویژگی‌های انتخابات در ایران، تمایل شدید نامزدها به «اغراق» است. این اغراق می‌تواند در مورد «ساده‌زیستی» خود، «مردمی» بودن خود، توصیف منفی رقبا، تحلیل وضعیت موجود یا وعده‌ها و چشم‌اندازهای مثبت آینده در صورت رأی آوردن خود، باشد. خالی بودن حساب بانکی شخصی (ساده‌زیستی). پیگیری و حل مشکلات شهروندان به طور شخصی در دیدارهای مستقیم با آنها (مردمی بودن). توصیف رقبای خود به عنوان خائن، سازشکار، بیگانه‌پرست، فاسد و حتی مافیایی و داعشی. تحلیل شرایط موجود به عنوان جامعه‌ای در حال «سقوط» در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. و از آن طرف، وعده‌هایی مانند رشد اقتصادی ۲۵ درصد و ۳۰ درصد، صادرات تلفن همراه هوشمند به ژاپن در کمتر از شش ماه و ریشه‌کن کردن کلی فقر و بیکاری در یک سال، از نمونه اینگونه اغراق‌هاست که با درک عمومی جامعه از واقعیت فاصله بسیار دارد.

■ **«مسئولیت‌گریزی»**
یکی دیگر از ادعاهای رایج نامزدهای انتخاباتی «استقلال» کامل آنها نسبت به تمام احزاب و جناح‌ها و جریان‌های سیاسی موجود در کشور است. این ادعا عمدتاً به این دلیل مطرح می‌شود که این نامزدها نمی‌خواهند هیچ میزان از «مسئولیت» نسبت به وضع موجود را بپذیرند و در قبال آن سال‌ها فعالیت خود در مناصب مختلف «پاسخ‌گو» باشند. طبیعتاً اگر وضعیت اقتصادی و اجتماعی موجود کشور بهتر بود، به همان نسبت هم از تعداد نامزدهای «مستقل» و «خارج از سیستم» در انتخابات کاسته می‌شد و همگی می‌کوشیدند تا سهم خود را در ایجاد رفاه و خرسندی مردم نمایان سازند.
ایراد ادعای «استقلال» نامزدها این است که از شروط اصلی احراز صلاحیت در انتخابات ریاست‌جمهوری «رجل سیاسی، مذهبی» و «مدیر و مدبر» بودن است. یعنی در واقع هیچ نامزدی در ایران وارد رقابت‌های انتخاباتی نشده و نمی‌شود، مگر اینکه جایگاه مهمی در عرصه سیاست و سهم قابل توجهی در مدیریت - و در نتیجه وضع موجود - داشته است.
فردی که در زمان نامزدی‌اش شجاعت کافی برای پاسخگویی را ندارد، قطعاً به عنوان رئیس‌جمهور - که تحت فشارها و انتقادات به مراتب بیشتری است - شهامت مسئولیت‌پذیری نخواهد داشت.
سال ۱۴۰۰ است و ۴۳ سال از انقلاب می‌گذرد. امروز مردم ایران بیش از چهار دهه تجربه مشارکت مستقیم پای صندوق‌های رأی دارند. وقت آن رسیده که کمپین‌های تبلیغاتی نیز آن بلوغ و پختگی را که شایسته این موقعیت تاریخی است از خود نشان بدهند.

وقتی فوتبالیست‌های ایرانی عقب می‌مانند

سیدعلی موسوی در توئیتی نوشت: پل پوگبا و اماد دیالو دو بازیکن تیم منچستریونایتد انگلستان با نمایش پرچم فلسطین از مردم این کشور حمایت کردند. اما با گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی فوتبالیست‌های ایرانی برای مواخذه نشدن توسط هواداران خود از این دست حمایت‌ها دوری می‌کنند!

وصیتی به حسین عزیز

محمد مهدی همت بخشی از وصیت شهید حاج قاسم سلیمانی را به شهید حسین پورجعفری توئیت کرد: حسین عزیز اجازه نده در هر شرایطی هیچ محبتی بر محبت خداوند سبحان و هیچ رضایتی بر رضایت خداوند سبحان غلبه کند.

امان از کج‌سلیقگی‌ها

رها عبداللهی در کانال تلگرامی خود نوشت: مقام معظم رهبری بارها روی مسئله جمعیت تأکید و بابت اهمیت ندادن دستگاه‌های اجرایی گله کرده‌اند. یکی از گله‌های ایشان از برخی کج‌سلیقگی‌ها در اظهارنظر راجع به بحران جمعیت بود که فرمودند:
«حالا خارجی‌ها را کار نداریم؛ دشمن، دشمن است اما بعضی کج‌سلیقگی‌ها را متأسفانه آدم در داخل مشاهده می‌کند - یکجایی خواندم- که می‌گویند «آقا! پیری جمعیت اشکالی ندارد!» چطور اشکالی ندارد؟ یکی از پُرفایده‌ترین ثروت‌های یک کشور، جمعیت جوان در یک کشور است که ما بحمدالله از اوایل انقلاب تا امروز برخوردار بوده‌ایم و اگر بنا باشد بعداً برخوردار نباشیم، یقیناً عقب خواهیم ماند.»
اشاره ایشان به تیتر سرمقاله روزنامه شرق با عنوان «سالمندی جمعیت عیب نیست» بود که توسط یکی از اساتید جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران نوشته شده بود و با استدلال‌های بی‌مایه که از یک متخصص جمعیت‌شناسی بعید بود، سعی داشت اثبات کند نگرانی‌ها در این‌باره بی‌اساس است. شبیه این مقاله چند روز بعد در روزنامه ایران با عنوان «پیری جمعیت؛ راه‌حل چیست؟» به قلم عباس عبدی منتشر شد که اصرار داشت دلیل پیری جمعیت ارتقای شاخص‌های سلامت و توسعه‌یافتگی است و نباید نگران بود!
جالب‌تر اینکه خیلی اتفاقی کمی قبل از آن بی‌بی‌سی فارسی مقاله‌ای با عنوان «چرا نگرانی از کاهش جمعیت ایران بی‌مورد است؟» با استدلال‌هایی بسیار شبیه به مقالات فوق منتشر می‌کند و نگرانی از پیری جمعیت را بی‌اساس می‌خواند!
وقتی بدانیم سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۱۵ خود اعلام کرده با ادامه روند کاهش نرخ باروری، جمعیت ایران در سال ۱۴۸۰، به ۳۹ میلیون نفر خواهد رسید؛ وقتی بدانیم تا ۳۰ سال آینده یک چهارم جمعیت ایران بالای ۶۵ سال خواهد بود؛ اینکه نرخ رشد جمعیت در سال گذشته رکورد اسفبار زیر یک درصد را ثبت کرده؛ اینکه سال گذشته با کاهش ۳۰درصدی ازدواج‌ها روبه‌رو بوده‌ایم و...
تأکیدات مقام معظم رهبری و دلسوزان آینده جمعیتی ایران ملموس‌تر می‌شود و «کج‌سلیقگی‌ها» عجیب‌تر به نظر می‌آید.
این کج‌سلیقگی‌های هماهنگ در تلاش برای ایجاد خطای محاسباتی و از بین بردن نگرانی‌های بحقی که نشانه‌های تبدیل شدنش به تغییر سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در مجلس جدید مشاهده می‌شود و امید است روند معیوب گذشته را اصلاح کند، عجیب به نظر رسیده و می‌تواند خبر از فعال شدن جبهه‌ای برای کارشکنی در مسیر این اصلاح بدهد.

حباب منفی در بازار سهام

دکتر مصطفی نصراصفهانی در کانال تلگرامی «اقتصاد رفتاری» از حباب منفی در بازار سهام نوشت. بخشی از یادداشت او را در ادامه می‌خوانید: اکثر مردم فکر می‌کنند آنچه حباب می‌نامند فقط در رشد بیش از اندازه قیمت دارایی‌ها اتفاق مبارک افتاد. این در حالی است که در کاهش بیش از اندازه قیمت‌ها هم حباب اتفاق می‌افتد، با این تفاوت که این بار به جای حباب مثبت، حباب منفی داریم!
بعضی‌ها سؤال می‌کنند که اگر سهام شرکت‌ها ارزنده هستند چرا همچنان مردم در صف فروش می‌روند؟ پاسخ این است که ما در یک حباب منفی هستیم. برای تبیین چرایی وقوع این حباب منفی هم همان نظریه احمق بزرگ‌تر کفایت می‌کند: مردم سهمشان را می‌فروشند چون فکر می‌کنند کسی از خودشان احمق‌تر وجود خواهد داشت که بتوانند از او به قیمتی ارزان‌تر بخرند. در این میان هم احتمالاً دولت در حال دمیدن در این حباب منفی است. روش اثرگذاری‌اش بر انتظارات مردم هم به دو طریق «دستور» و «دست‌کاری دیجیتال» است.
در آینده‌ای نزدیک هم آنها که رانت دارند، با اطلاع از زمان شروع رشد، دوباره سهام را در قیمتی نازل خریداری خواهند کرد! امیدوارم آن زمان اولاً ما هم مطلع شویم، ثانیاً ذره‌ای از آن اعتباری که بنا دارند «هدایت کنند» به ما هم برسد!

شمر دایی حضرت ابوالفضل بود؟!

حسن انصاری در کانال تلگرامی خود نوشت: دیدم آقایی به مناسبت بحث تأیید صلاحیت‌ها در شورای شهر، شمر بن ذی الجوشن، قاتل حضرت سیدالشهداء (ع) را دایی حضرت ابوالفضل العباس علیه الصلاة والسلام معرفی کرده، لابد به این حجت که به روایت مقاتل و از جمله مقتل ابو مخنف در حادثه کربلا شمر برادران امام را از فرزندان ام‌البنین، «بنو أختنا» خطاب کرده. روشن است این آقا اطلاعی از انساب عرب و همچنین ادب انساب و خطابات در زبان عربی کهن ندارد.
ام البنین (ع) دختر حزام بن خالد بن ربیعة بن الوحید بن کعب بن عامر بن کلاب بن ربیعة بن عامر بن صعصعة بن معاویة بن هوازن العامریّ ثم الوحیدی بود. در حالی که نسب شمر چنین است: شمر بن ذی الجوشن (اسمه: أوس؛ وقیل شرحبیل) بْن الأعور بْن عمرو بْن معاویة، وهو الضباب بْن کلاب بْن ربیعة بْن عامر بْن صعصة العامری الکلابی، ثم الضبابی.
بنابراین شمر دایی ابوالفضل العبّاس و برادر ام البنین نبود. تنها در طبقه‌ای بسیار دور از سلسله انساب شمر (که شاید صرفا ادعایی بیش نبوده برای اینکه خود را از اعراب صحیح النسب جا بزند) نسب ادعایی او با واسطه‌های متعددی به نیای دور ام البنین می‌رسیده.
در رسم عرب در خطابات تعابیری مانند «بنو أختی»؛ «یا أخت هارون» که در قرآن آمده یا تعابیری مانند «یا أخا ربیعة» که در کتاب‌های تاریخ زیاد دیده می‌شود به معنی انتساب به خاندان و قبیله و تبار مشترک است. در مورد اخیر تعبیر «یا أخا ربیعة» یعنی ای کسی که از خاندان ربیعه هستی یا در مورد حضرت مریم در قرآن تعبیر «یا أخت هارون» برخلاف تفسیری که خیلی‌ها را به اشتباه انداخته، یعنی ای کسی که از تبار منتسب به دودمان هارون، برادر موسی هستی. «بنو أختی» هم به معنای اشتراکی و لو دور در سلسله نسب است از ناحیه ام البنین؛ ولله الحمد أولا وآخرا.

پیشنهاد چین به خانواده‌ها: یک میلیون یوآن به ازای هر فرزند

کانال تلگرامی تبیان نوشت: چین یک میلیارد و ۴۱۰ میلیونی هم‌الان با نرخ باروری ۱/۳ دست و پنجه نرم می‌کند که هم رتبه با کشورهای مسنی مثل ژاپن و ایتالیاست و زنگ خطر رو برای دومین اقتصاد بزرگ دنیا به صدا درآورده. رهبران چین درحال نهایی کردن طرحی گسترده هستن تا پاسخگوی چالش‌های جمعیتی مثل فشار مالی بر والدین باشن. اونا همچنین انتظار دارن که دولت تحت چارچوب سیاست فعلی و پیش از لغو محدودیت‌های زاد و ولد در سه الی پنج سال آتی مردم رو به فرزندآوری بیشتر ترغیب کنن.
یک استاد دانشگاه چینی به دولت این کشور پیشنهاد داده که به هر خانواده‌ای برای فرزندآوری و تولد هر فرزند یک میلیون یوآن (۱۵۶ هزار دلار) پاداش بدهند تا اینجوری جلوی کاهش جمعیت این کشور گرفته بشه. اون گفته این طرح ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی چین هزینه در بر داره و باعث افزایش نرخ تولد از ۱/۳ حال حاضر به ۲/۱ میشه.

رقم تأسفبار صادرات ایران به ترکیه

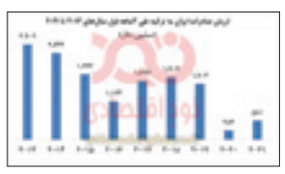

کانال تلگرامی نود اقتصادی با اشاره به کاهش ۸۰درصدی صادرات ایران به ترکیه در دو سال اخیر نوشت: در سه ماهه اول سال ۲۰۲۱ ارزش صادرات ایران به ترکیه حدود ۵۸۱ میلیون دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۱۰۵ درصدی را نشان می‌دهد.
گرچه در سال جاری ارزش صادرات ایران به این کشور با کاهش محدودیت‌های کرونایی رشد قابل توجهی داشته اما آمارها نشان می‌دهد در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ ارزش صادرات ایران به ترکیه در سه ماهه اول حدود ۶/۲ تا ۹/۲ میلیارد دلار بوده است.
به عبارتی رقم صادرات سه ماهه اول سال ۲۰۲۱ حدود ۸۰ درصد کاهش نسبت به رقم صادرات در سه ماهه اول سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ را نشان می‌دهد.